

## مریم مجدلیه در متون آپوکریفا از نگاهی زنانه‌نگر

مریم السادات سیاهپوش<sup>۱</sup>، طاهره حاج ابراهیمی<sup>۲</sup>، لیلا هوشنگی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

### چکیده

دین و پیوند آن با فرهنگ از نگاهی نو می‌تواند در تبیین جایگاه زنان در جامعه بررسی شود؛ به ویژه آنکه غالب متون دینی به دست مردان نگاشته شده و این تلقی مردانه از دین بر وضعیت زنان تاثیر نهاده است. در مطالعات فمینیستی، نگرشی جدید در خصوص بررسی نقش زنان در متون دینی، جهت احیای تجارب دینی زنانه شکل گرفت تا به این واسطه جایگاه زنان در جامعه دینی بهبود بخشیده شود. از این‌رو، در مطالعات مسیحی نه تنها این موضوع در بازخوانی زنانه از عهد جدید مورد توجه قرار گرفت، بلکه در سایر متون دینی از جمله متون آپوکریفا نیز چنین کوششی فراگیر شد. در این زمینه، پژوهشگران بر این باور هستند که گرچه متون آپوکریفا اعتبار متون رسمی را نداشته‌اند، به جهت روایتی متفاوت از جامعه صدر مسیحیت، از آنجایی که بازتاب دهنده تفکر بخشی از نخبگان آن روزگار هستند، از منظر علمی جهت مطالعه افکار و عقاید جامعه مسیحیت نخستین از اهمیتی خاص برخوردارند. در این متون چنین برمی‌آید که در میان زنان آن زمان، مریم مجدلیه شخصیتی جنجالی بوده است. با بررسی دیدگاه نویسندگان این متون، می‌توان به الگوی مناسبی از تجارب دینی زنانه در آن دوره دست یافت. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، پس از بیان چگونگی رابطه مریم مجدلیه با عیسی مسیح نگرش جدیدی درباره شخصیت مریم مجدلیه از نگاه زنانه‌نگر در چهار محوری که مورد توجه متفکران فمینیست قرار گرفته است، به دست می‌دهیم.

**واژگان کلیدی:** الهیات فمینیستی، اناجیل آپوکریفا، زن و دین، مریم مجدلیه.

- 
۱. دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی؛ Maryam.siahpoosh.1371@gmail.com
  ۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)؛ thajebrahimi@yahoo.com
  ۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء؛ lhoosh@alzahra.ac.ir

### مقدمه

مریم مجدلیه یکی از زنان تاثیرگذار به شمار می‌آید که در کنار عیسی مسیح به صورت فعال، جهت انتشار پیام او مشارکت داشته است. این شخصیت، به دلیل جایگاه خاصی که دارد، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران، به ویژه در حوزه مطالعات زنان و فمینیسم قرار گرفته است. در بررسی‌های انجام گرفته، مریم مجدلیه در هر چهار انجیل عهد جدید، شاهدهی بر ایمان بنیادین مسیحی محسوب می‌شود، چرا که او یکی از شاگردان یهودی اصلی و از زنان شاهد واقعه رستاخیز معرفی شده است. اما علی‌رغم اهمیت بسیار مریم مجدلیه، اطلاعات کمی در عهد جدید از او وجود دارد، به نحوی که باید در پی گزارش‌های دیگر بود تا هویت او را برای ما روشن‌تر کند. درباره نحوه آشنایی و فراخوانده شدن مریم مجدلیه به بشارت عیسی مسیح، هیچ‌گونه سرنخی وجود ندارد [۶، صص-۷۴ ۷۵]. از سوی دیگر، در منابع غیررسمی موسوم به متون آپوکریفا که در صدر مسیحیت به نگارش درآمده‌اند، جلوه خاصی از مریم ارائه شده که او را از تمامی رسولان و شاگردان عیسی مسیح، برتر معرفی کرده است. این منابع، با نگرش ویژه خود، راهی برای شناخت وجوه دیگر شخصیت مریم از نگاه برخی مؤمنان تاریخ اولیه مسیحی فراهم آوردند.

یکی از مسائلی که می‌بایست در خصوص توجه این متون به شخصیت مریم مورد بحث قرار گیرد، آن است که به نظر می‌رسد این متون بیانگر دغدغه‌ای از چگونگی حضور و فعالیت زنان بوده باشند. نویسندگان این آثار، نخبگانی از جامعه بوده‌اند که درک عمیقی از دیدگاه‌های موجود در بستر اجتماعی جامعه مسیحی داشته‌اند. ایشان با ملاحظه تسلط نگرش مردسالارانه بر دیدگاه مؤمنانه، در خصوص دامنه فعالیت زنان حساس شده و در تلاش برای احیای آن برآمده‌اند. چرا که احتمالاً آن‌ها با توجه به تعالیم اصلاح‌گرانه عیسی مسیح، او را شخصیتی دانسته‌اند که اقدام به برجسته نمودن جایگاه زنان، به صورتی کاملاً عملی، کرده است. پس این نویسندگان، با تقدس بخشیدن به متون خود، سعی کرده‌اند توجه مؤمنان را به این موضوع جلب کنند. آن‌ها این عمل را با تمرکز بر شخصیت‌های زنانه مطرح شده در اناجیل رسمی که مورد قبول سنت مسیحی است، انجام داده‌اند تا به دیدگاه خود اعتبار ببخشند.

از این‌رو، در این متون نه تنها شخص مریم مجدلیه می‌درخشد، بلکه زنان دیگری نیز حضور فعالانه داشته و حتی در شمار شاگردان شناخته می‌شدند. برای مثال، در «حکمت عیسی مسیح»<sup>۱</sup> هفت زن در کنار دوازده شاگرد مرد وجود دارند و تعالیم سری را از عیسی

1. The Sophia of Jesus Christ.

مسیح فرا می‌گیرند. در «آپوکالیپس اول یعقوب»<sup>۱</sup> از عیسی مسیح دربارهٔ هفت زن شاگرد سؤال پرسیده می‌شود و در متن از چهار نفر آن‌ها صحبت شده است. در «انجیل فیلیپ»<sup>۲</sup> گفته می‌شود عیسی همواره با سه زن قدم می‌زده است. در «پیس‌تیس سوفیا»<sup>۳</sup> چهار زن در شمار شاگردان هستند و حتی بیشترین سهم از گفتگو با عیسی را به خود اختصاص دادند. بنابراین، می‌توان به وضوح دغدغه نویسندگان این متون را در مشارکت دادن زنان به صورت فعالانه در کنار مردان ملاحظه کرد. گرچه آن‌ها به طور کلی در این زمینه به اغراق کشیده شده‌اند، اما این تلاشی است که می‌توان آن‌را بیانگر مطالبات زنان مؤمن آن روزگار تلقی کرد.

توجه به این نکته ضروری است که نگرش غالب مردسالار در سده‌های نخستین میلادی، در برابر این تفکر مقاومت کرده و با حذف و از بین بردن این اناجیل، به نوعی سعی در سرکوب مشارکت فعالانهٔ زنان در جامعهٔ دینی داشته است. ترزا توپت<sup>۴</sup> که پژوهشی در این خصوص ارائه داده است، به صورت جدی اعلام می‌کند که انجیل مریم<sup>۵</sup> به دلیل روایتی زنانه‌نگر به عنوان متنی غیر راست‌کیشانه معرفی شده است، نه به دلیل آنکه انجیلی گنوسی است. او بر این باور است که متولیان دین با حذف این متون، راه را برای ساخت تاریخ و آموزه‌های دینی مردسالارانه هموار کرده‌اند و بدین‌گونه، اثری از مشارکت فعالانهٔ زنان در کنار عیسی مسیح باقی نگذاشته‌اند [۷، ص ۴]. البته، به نظر می‌رسد که این دیدگاه توپت تا حدی تندروی باشد، چرا که عناصر گنوسی در انجیل مریم به چشم می‌خورند و احتمالاً دلیل اصلی حذف این متن توسط متولیان دین همین مورد باشد. با این حال، سخن توپت به دور از این واقعیت نیست که نگرش غالب مردسالارانه می‌تواند یکی از عوامل مهم برخورد با نگرش موجود در این متون باشد.

با ورود نگرش فمینیستی به حوزهٔ مطالعات ادیان، حوزهٔ مطالعاتی جدیدی به عنوان «الهیات فمینیستی» شکل گرفت. به طور معمول، پیدایش الهیات فمینیستی را از زمان انتشار مقالهٔ «موقعیت انسانی: یک دیدگاه زنانه»<sup>۶</sup> از والری سای‌وینگ<sup>۷</sup> در سال ۱۹۶۰ میلادی می‌دانند چرا که انتقادهای او نسبت به الهیات سنتی مردانه، منجر به پیش‌فرض

- 
1. (first) Apocalypse of James.
  2. Gospel of Philip.
  3. Pistis Sophia.
  4. Therasa Topete.
  5. Gospel of Mary.
  6. The Human Situation: A Feminist View.
  7. Valery Satving.

الهیات فمینیستی شد. این انتقاد مبنی بر این نگرش بود که هویت جنسی نویسنده، مفسر و متفکر بر حوزه مطالعات الهیاتی و دینی تأثیر گذاشته است. در این شرایط تجارب دینی زنانه کاملاً نادیده گرفته می‌شود و دیدگاه‌های مردانه عمومیت می‌یابد. فمینیست-ها ادعا نداشتند که این حذف تجارب زنانه یا بی‌توجهی به آن به دلیل غرض‌ورزی عامدانه مردان باشد، اما در نتیجه حاصل از آن تفاوتی حاصل نمی‌شود. بدین ترتیب، زنان خواهان در نظر گرفتن تجارب دینی زنانه در الهیات شدند و آن‌را به مثابه یک منبع اصلی معنا و محتوا در نظر گرفتند [۵، صص ۱۳۹۱، ۳۹۲-۳۹۳]. بنابراین، یکی از مهمترین مباحث مطرح شده در این زمینه، واکاوی نقش زنان در متون دینی است، تا بدین وسیله، تجربه دینی زنان مورد بررسی قرار گیرد و مریم مجدلیه، نمونه بسیار عالی در زمینه مسیحیت‌پژوهی دانسته می‌شود.

در این پژوهش کوشش بر آن است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که در متون آپوکریفا رابطه عیسی مسیح با مریم مجدلیه چگونه بوده است؟ از منظر نویسندگان این متون، مریم مجدلیه چگونه شخصیتی داشته است؟ و در نهایت، آیا می‌توان مریم مجدلیه را با توجه به جایگاهش در این متون الگویی برای زنان مؤمن با نگرش فمینیستی دانست؟ در این راستا، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، پس از بررسی رابطه مریم مجدلیه و عیسی مسیح، به بحث درباره ویژگی‌های شخصیتی مریم پرداخته و در نهایت در صدد ارائه پاسخی فمینیستی در خصوص این شخصیت بر می‌آید.

### پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که در مطالعات اخیر مبتنی بر کتاب مقدس، بیش از پیش به شخصیت مریم مجدلیه چه در متون رسمی و چه آپوکریفا پرداخته شده است. گرچه کوشش‌هایی در بخشی از این مطالعات ناظر بر ویژگی‌های مریم مجدلیه از نگاهی فمینیستی صورت پذیرفته است، پژوهش‌های اندکی به زبان فارسی درباره مریم مجدلیه انجام شده است. در این زمینه می‌توان به دو مقاله با عنوان‌های «مریم مجدلیه و گرایش زنان به مانویت: بازبینی برخی مؤلفه‌های اسطوره‌ای و تاریخی» [نک: ۴] و «اناجیل رسمی و زنان با نقش رسولانه: مطالعه موردی» [نک: ۳]، اشاره کرد که از منظر زنانه-نگرانه به بررسی شخصیت مریم مجدلیه پرداخته‌اند. با این حال، نویسنده با وجود کوششی که انجام داده است به مقاله‌ای در خصوص نقش مریم مجدلیه در متون آپوکریفا به زبان فارسی بر نخورده است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است که با توجه به نقش

مریم مجدلیه در متون آپوکریفا، جایگاه او را از منظر فمینیستی مورد واکاوی قرار دهد و از این‌رو با دو پژوهش یاد شده تفاوت دارد.

### ۱. رابطهٔ مریم و عیسی

در خصوص رابطهٔ مریم مجدلیه و عیسی مسیح از منظر متون آپوکریفا حدس و گمان‌های زیادی زده شده است. به این جهت ضروری است که پیش از بررسی شخصیت مریم مجدلیه در متون آپوکریفا، کمی به بحث دربارهٔ این رابطه پرداخته شود. به طور کلی، در این متون مریم از رسولان به شمار آمده و اگرچه مخالفت‌هایی نسبت به حضور او به ویژه از سوی پطرس<sup>۱</sup> ابراز می‌شود، اما عیسی همواره به مریم با دید مثبت نگریده، به پرسش‌های او پاسخ داده و با تشویق‌های مکرر از او حمایت کرده است. با این حال، در برخی متون این رابطه بیانگر صمیمیتی فراتر از رابطه‌ی استاد و شاگردی به نظر می‌رسد، به ویژه در انجیل فیلیپ و انجیل مریم که در این بخش به بحث دربارهٔ آن‌ها پرداخته می‌شود.

نخستین متن مناقشه برانگیز در این خصوص، انجیل فیلیپ است. در این انجیل فقراتی دربارهٔ رابطه‌ی نزدیک عیسی و مریم نگاشته شده که باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند. در فقرهٔ پنجاه و نهم بیان می‌شود که عیسی مسیح همیشه همراه با سه نفر قدم می‌زده است: مادرش مریم، خواهرش و مریم مجدلیه که به عنوان همراه او خوانده می‌شود [۸، ص ۱۵۴]. در این قسمت، به نظر می‌رسد که نگارنده مایل است ذهن مخاطب را برای این موضوع که ارتباط ویژه‌ای بین عیسی و مریم است، آماده سازد به این جهت تأکید می‌کند که مریم مجدلیه نه تنها همیشه همراه عیسی مسیح قدم می‌زده است، بلکه «همراه» او نیز خوانده می‌شده است. این تأکید بر واژهٔ همراه توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است و آن‌ها غالباً بر این باور هستند که بر اساس دیدگاه محققان زبان آرامی، واژهٔ همراه در آن روزگار به معنای همسر بوده است [۹، ص ۴۱۷]. نکتهٔ جالب توجه در این بخش آن است که در این اثر، گویا زنان بیشتر مورد توجه عیسی هستند. او با زنان قدم می‌زند، نه شاگردان مرد خود و این امر را به صورت عملی در رفتار خود بیان می‌کند.

اما عجیب‌ترین بخش این انجیل، در خصوص بوسه‌ای است که عیسی عادتاً بر مریم

1. Peter.

می‌زد. در این بخش چنین آمده است:

عیسی همراه خود، مریم مجدلیه، را بیش از همه شاگردان خود دوست می‌داشت و عادت داشت که او را ببوسد. بقیه شاگردان به او گفتند: «چرا او را بیش از همه ما دوست می‌داری؟» منجی جواب داد و به آن‌ها گفت: «چرا من شما را مانند او دوست ندارم؟ هنگامی که یک نابینا و شخصی که می‌تواند ببیند در کنار هم در تاریکی قرار می‌گیرند، هیچ تفاوتی بایکدیگر ندارند. هنگامی که نور می‌آید، کسی که قادر به دیدن است، می‌تواند نور را ببیند و کور در تاریکی می‌ماند» [۸، ص ۱۴۸].

این اقدام عملی و به دور از تظاهر عیسی، موجب برانگیختن اعتراض دیگر شاگردان مرد شد. اما عیسی پاسخی قاطع و روشن در مورد عمل خود داد و آن‌را به گونه‌ای تفسیر کرد که آن‌ها دریابند، مریم با دیگران تفاوت دارد. مریم همچون فردی بیناست که می‌تواند نور را تشخیص دهد در حالی که دیگران در تاریکی جهالت خود گرفتار می‌مانند. شاید در ظاهر بین شاگردان تفاوتی نباشد، اما باطن مریم، برخلاف دیگران، استعداد و توانایی دریافت معارف سری را دارد.

برخی افراد سعی کرده‌اند این بوسه را که گفته می‌شود بر دهان مریم زده می‌شد، به عملی کاملاً عرفانی و به دور از لذت تفسیر کنند، در حالی که برخی دیگر بر این باور هستند، در متن به صراحت بیان شده که عیسی عاشق مریم بود و بنابراین، این بوسه یک بوسه فاقد احساس نیست. به هر حال، ضروری است که این عمل را در زمینه گنوسی و یهودی خود بررسی کرد. در عرفان یهودی قبلاً بر لذتی که از طریق بوسه دهانی ایجاد می‌شود تأکید شده است. این لذت ناشی از آن است که یک نفس با نفس دیگر پیوند می‌خورد. همان‌گونه که این امر در میان سفیروت<sup>۱</sup> قابل ملاحظه است و موجب می‌شود آن‌ها در هم بیامیزند. همچنین، می‌توان در سنت یهودیت مبتنی بر کتاب مقدس، به

۱. Sefiroth: بر اساس آموزه‌های قبلا، کنه ذات خدا که ان سوف (Ein Sof) نامیده می‌شود، ناشناخته، توصیف ناپذیر و لایتناهی است، در عین حال در ده مرتبه به نام سفیروت متجلی می‌گردد. عالم سفیروت، متشکل از سفیراهای مذکر و مونث است که در هماهنگی با هم عالم وحدت الهی را تشکیل می‌دهند. این ده سفیروت به ترتیب این چنین خوانده می‌شوند: کتر (دیپیم)، حخما (حکمت)، بینا (فهم)، حسد (عشق)، گوورا (قدرت)، تیفرت (جمال) یا رحمیم (رحمت)، نصح (پیروزی)، هود (عظمت)، یسود (بنیان)، ملخوت (سلطنت یا شخینا) [۲، صص ۲۸۵-۲۸۶].

بوسهٔ خدا بر موسی هنگام درگذشتش اشاره کرد. واژهٔ عبری بوسه<sup>۱</sup> به معنای نفس کشیدن مشترک است و منظور از نَفَس را نیز می‌توان همان روح دانست. بنابراین، بر اساس سنت پیشینی، عیسی و مریم در حال یکی کردن و اتحاد نفس و روح خود بوده‌اند [۱۰، صص ۲۸-۲۸]. در نهایت نمی‌توان گفت که صمیمیت بین مریم و عیسی از جنس رابطهٔ صرفاً زناشویی بوده است.

انجیل مریم متن دیگری است که به بیان رابطهٔ صمیمانه میان مریم و عیسی می‌پردازد. نخستین موردی که در انجیل مریم بسیار مورد توجه است، این نکته است که عیسی، مریم را دوست می‌داشت. این موضوع دو مرتبه در متن بیان شده است. اولین مرتبه، هنگامی است که عیسی از میان آن‌ها رفته است و پطرس از مریم می‌خواهد که آن‌ها را در جریان سخنانی که عیسی با او مطرح کرده است، بگذارد. پطرس برای بیان درخواست خود مریم را این‌گونه خطاب می‌کند: «خواهر، ما می‌دانیم که منجی شما را بیش از زنان دیگر دوست می‌داشت» [۱۱، ص ۵۲۵]. در مرتبهٔ دوم، هنگامی که پطرس و آندریاس<sup>۲</sup> با مریم مخالفت می‌کنند، متی<sup>۳</sup> به پشتیبانی از مریم برخاسته و پس از تخطئه پطرس، این عبارات را دربارهٔ مریم به کار می‌برد: «اگر منجی او را شایسته می‌دانسته است، تو کیستی که او را رد کنی؟ مطمئناً منجی او را به خوبی می‌شناخته است. به همین دلیل او را بیش از تمامی ما دوست می‌داشت» [۱۱، ص ۵۲۷].

با توجه به این دو فقره، می‌توان نتیجه گرفت که در وهلهٔ نخست، عیسی علاقهٔ خود به مریم را به گونه‌ای ابراز می‌کرده است که دیگران نیز به آن واقف بوده‌اند. دیگر آنکه، عیسی نه تنها مریم را بیش از زنان دیگر دوست داشت، بلکه بیش از سایر شاگردانش به او توجه داشت. همچنین، ارمن،<sup>۴</sup> پژوهشگری که در این زمینه به مطالعه پرداخته است، اشارهٔ دقیقی به این مسئله داشته است که این علاقه، یک علاقهٔ جنسی نبوده است؛ زیرا در متن آمده عیسی او را بیشتر از زنان دیگر دوست می‌داشت، نه به نحوی متفاوت از آنان [۱۲، ص ۲۴۳]. افزون بر این، به گفتهٔ متی، عیسی مریم را به دلیل شناختی که از او داشت، بیش از دیگر رسولان دوست می‌داشت، نه به دلیل مسائل جنسی. بنابراین، با قاطعیت نمی‌توان این رابطهٔ صمیمانه را خارج از رابطهٔ استاد و شاگردی دانست.

1. Nashak (נשק).

2. Andrew.

3. Matthew.

4. Ehrman.

## ۲. شخصیت مریم مجدلیه در متون آپوکریفا

می‌توان ویژگی‌های شخصیتی مریم مجدلیه در متون آپوکریفا که نظر پژوهشگران فمینیست را به خود جلب می‌کند، در چهار مورد بررسی کرد: توانایی علمی، توانایی رهبری، توانایی ایستادگی در برابر مردسالاری و توانایی معنوی. متون آپوکریفایی که در آن‌ها شخصیت مریم مجدلیه به نحو برجسته‌ای نمایان گشته است، عبارتند از: انجیل توماس، انجیل مریم، انجیل فیلیپ، پیس‌تیس سوفیا، گفتگوی منجی،<sup>۱</sup> آپوکالیپس اول یعقوب، حکمت عیسی مسیح و زبور مانوی.

### ۱. توانایی علمی

همانگونه که در بیشتر این متون آمده است، مریم همواره به بحث علمی با عیسی یا شاگردان مشغول بوده است. مریم زنی است که با قدرت ذهنی قوی خود، به تحلیل آموزه‌های مطرح شده از جانب عیسی مسیح می‌پردازد و از پرسش کردن نمی‌هراسد، چنان که بیشترین پرسش‌های مطرح شده در پیس‌تیس سوفیا از طرف مریم پرسیده می‌شود. تفاسیری که مریم از سخنان عیسی در متونی مانند پیس‌تیس سوفیا ارائه می‌دهد، بیانگر این امر است که زنان به لحاظ معرفت‌شناختی پایین‌تر از مردان نیستند. برای نمونه، نخستین بخشی که مریم مجدلیه در آن حضور می‌یابد، هنگامی است که عیسی پس از بیان اسراری از شاگردان می‌خواهد که آن مطالب را به گوش انسان‌های هشیار برسانند. در این زمان، مریم به مدت یک ساعت عمیقاً به تأمل پرداخت و سپس از عیسی اجازه خواست تا صراحتاً صحبت کند. پاسخ عیسی به مریم بسیار جالب توجه است: «ای مریم مبارک، تو کسی هستی که من با تمام اسرار تو را در سطح عالی کامل خواهم کرد. صریح صحبت کن، زیرا تو کسی هستی که قلبش بیش از همه برادران به پادشاهی آسمانی رسیده است» [۱۳، ص ۲۰].

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در انجیل فیلیپ، مریم مجدلیه یکی از سه زنی بوده است که غالباً عیسی با آن‌ها در حال قدم زدن، مصاحبت داشته است. در توصیف این رابطه می‌توان آن‌را به نوعی شبیه به گفتگوی عمیق علمی در میان یونانیان دانست که هم‌زمان با مباحثه، به قدم زدن می‌پرداختند. افزون بر این، همان‌طور که گفته شد، در اعتراض شاگردان نسبت به بوسه، عیسی مریم را دارای بینشی دانست که دیگران فاقد آن

1. The Dialogue of the Savior.

بودند.

همچنین، در متن گفتگوی منجی، خردمندی مریم دو مرتبه به خوانندگان یادآوری می‌شود. نخستین بار در گفتگوی صد و سی و نهم، پس از آنکه مریم تفسیر خود را از مباحث عیسی بیان می‌کند، با این عبارت معرفی می‌شود: «او زنی است که همه چیز را می‌داند» [۱۴، ص ۲۵۲]. در مرتبه دیگر، هنگامی که مریم درباره جایگاه خود پرسش می‌کند، عیسی او را این‌گونه توصیف می‌کند: «تو عظمت آشکارشدگی را آشکار می‌سازی!». به این نحو، مریم در مقام مبین بشارت عیسی معرفی می‌شود.

افزون بر این، در زبور مانوی بارها به خردمند بودن مریم هم صراحتاً و هم به طور ضمنی اشاره شده است. در این زبور، هنگام ملاقات مریم و عیسی پس از رستاخیز، عیسی او را مأمور فراخواندن دیگر رسولان می‌کند. عیسی پس از یادآوری اندیشه خردمندانه مریم، به او وظیفه پیامبری را واگذار کرده و از او می‌خواهد که «دست یتیمان سرگردان را بگیرد» [۱، صص ۲۶۶-۲۶۵]. ملاک برتری مریم از دیدگاه نویسندگان خردمندی اوست؛ زیرا در ابتدای این مزمور خردمندی او را یادآور می‌شود. همچنین، در مزمور دیگری که نام رسولان با عنوان «نخستین رمه» آورده می‌شود، مریم را چنین معرفی می‌کند: «مریم را برگزید: روح خرد را» [۱، ص ۲۸۴]. بدین ترتیب، مریم جایگاه بالایی، نزد عیسی مسیح به سبب خردش داشته و مسئولیت مهم هدایتگری را از جانب او برعهده می‌گیرد.

در حکمت عیسی مسیح، هنگامی که عیسی پس از رستاخیز با شاگردان ملاقات می‌کند، مریم که تنها زن حاضر در آن جمع است، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و عیسی به دقت به پرسش‌های او پاسخ می‌دهد و در انتهای یکی از سخنان خود می‌گوید که این امور را تنها افراد آگاه درمی‌یابند [۱۵، صص ۲۲۷-۲۲۶]. به این ترتیب، این پرسش نشان می‌دهد که دغدغه مریم آگاهی از عوالم برتر بوده و عیسی نیز پاسخ کاملی به او می‌دهد. عیسی حتی به طور ضمنی مریم را از معدود افراد آگاه می‌خواند. این بدان معناست که عیسی درک و فهم مریم را آن قدر بالا می‌دانسته است که در این زمینه با او سخن گفته است.

## ۲. توانایی رهبری

مریم در مقام رهبر گروه، دارای شخصیتی عملگرا،<sup>۱</sup> مسئولیت‌پذیر و مستقل بود و با وجود

1. Pragmatist.

موانعی که جامعهٔ مردسالار برای زنان ایجاد کرده بود، مریم به پشتوانهٔ ایمان و دلگرمی - های عیسی، همواره در جمع شاگردان حضور فعال داشت و خود را از ایشان می‌دانست. بهترین نمونه‌ای که مریم در آن نقش رهبری را ایفا می‌کند را می‌توان در انجیل مریم یافت که عملکرد مریم را در سطح اجتماعی به خوبی نمایان می‌سازد. مریم زنی است که درست زمانی که شاگردان سردرگم و گریان بودند، فوری وارد عمل شد و آن‌ها را با یادآوری این نکته که فیض مسیح با آن‌ها است و از ایشان محافظت خواهد کرد، آرام ساخت [۱۱، ص ۲۵۲]. این مورد، او را شخصیتی عملگرا نشان می‌دهد که می‌تواند فوراً دست به کار شده و بر اوضاع نابسامان مسلط شود. مریم در سخنان خود از ضمیر «ما» استفاده می‌کند: «او ما را آماده ساخت و به انسان تبدیل کرد.» [۱۱، ص ۲۵۲]. این امر بیانگر این نکته است که در وهلهٔ نخست مریم خودش را در زمرهٔ شاگردان می‌شمارد و اینکه او هم‌چون رهبری دانا، با به کار بردن این ضمیر، گروه را در حالت انسجام قرار می‌دهد. در نهایت، او با سخنرانی ماهرانهٔ خود توانست شاگردان را متقاعد سازد. اهمیت این مسئله زمانی مشخص می‌شود که او این عمل را در جامعه‌ای مرد سالار انجام داد. حتی، متن نیز چالش‌برانگیز بودن این عمل مریم را با مخالفت جدی آندریاس و پطرس نشان می‌دهد. با این حال، راوی به نحو بارزی موفقیت مریم را نشان می‌دهد، بدین گونه که دیگر شاگردان با مریم مخالفتی نکردند و حتی متی به حمایت از مریم برخاست. پس، مریم توانست با استعداد رهبری خود، شاگردان سردرگم را برای انجام وظیفهٔ تبلیغ، که عیسی از آن‌ها خواسته بود، آماده سازد. این برخورد مریم، شخصیت مستقل او را در مقام یک رهبر نمایان می‌کند.

متن دیگری که بر توانایی مریم در امر رهبری تأکید دارد، زبور مانوی است. در این زبور آمده است: هنگامی که عیسی پس از رستاخیز به مریم اعتماد کرد و او را برای گرد آوردن شاگردانش فرستاد، نسبت به ایمان دیگر شاگردان تردید داشت. وی از مریم می‌خواهد که هر طور شده آن‌ها را متقاعد سازد که برگردند و در این مأموریت نیز مجدداً بر زیرکی و هوشمندی مریم در امر رهبری تکیه می‌کند: «همهٔ مهارت و پندت را به کاربند تا گوسپند را نزد رمه آوری» [۱، صص ۲۶۶-۲۶۷]. گویا عیسی افزون بر خردمندی مریم، با تکیه بر وفاداری و ایمان او، به مریم بیشترین اعتماد را دارد. این نگرش به مریم را می‌توان در مزمور دیگری که از رسولان عیسی نام برده شده است، یافت. در آنجا مریم این گونه معرفی می‌شود: «مریم تورانداز، که برای یازده سرگردان صیادی کند» [۱، ص ۲۷۹]. این بدان معنی است که مریم از نظر نویسندهٔ این زبور گردآورندهٔ این رمهٔ سرگردان دانسته

می‌شود. کسی که با هوشمندی توانایی هدایت و انسجام گروه نخستین مؤمنان را دارد. دیگر ویژگی مریم که ناظر بر توانایی رهبری او است، شخصیت مسئولیت‌پذیر او را بیان می‌کند. در ادامهٔ مزمور گفتگوی مریم و عیسی، پس از ابلاغ مأموریت، واکنش مریم بسیار جالب توجه است. مریم به شدت هیجان‌زده می‌شود، به طوری که حالات خود را این‌گونه بیان می‌کند: «ای خداوندگارم، ای سرور! فرمانت را به جای آورم به شادی، با قلبی سرشار از شادمانی، دلم آرام ندارد و نه خواب در چشمانم، پاهایم سست شدند، تا گوسپند را به رمه رساندم!» [۱، ص ۲۶۷]. توصیفات مریم از حال خود، بیانگر آن است که عظمت مأموریت خود را دریافته و شخصیتی مسئولیت‌پذیر دارد که اجازه نمی‌دهد، حتی خستگی مانع به پایان رساندن وظیفهٔ محول شده به او شود. این ویژگی او، در تضاد با رفتار سایر شاگردان قرار می‌گیرد که نه تنها در این صحنه حضور نداشتند و به کار روزمره مشغول بودند، بلکه حتی بیم آن می‌رفت که باز نگردند. اما انگیزه و شوق وافر مریم از ایمان عمیق قلبی او نشئت گرفته بود که نویسنده نیز آن‌را متذکر شده است: «شکوه مریم راست! چه، به خداوندگارش گوش سپرد، فرمانش را به‌جای آورد با دلی سرشار از شادمانی، شکوهمند و پیروز باد مریم خجسته!»<sup>۱</sup> [۱، ص ۲۶۷]. بنابراین، شخصیت مریم در مقام رهبر به عنوان یک زن، مستقل، وفادار، پر از انگیزه و مسئولیت‌پذیر معرفی می‌شود.

### ۳. توانایی ایستادگی در مقابل مردسالاری

مریم در مقابل رفتار مردسالارانه‌ی سرکوبگر، ابداً شخصیت منفعلی نداشته و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. بسیار جالب توجه است که در برخی از این متون آپوکریفای ذکر شده، هرگاه مریم نقش برجسته‌ای می‌یابد، پطرس به مخالفت با او می‌پردازد. او در این اعتراض‌ها تنها نیست، بلکه برخی دیگر نیز او را همراهی می‌کنند. ماروین میر، از پژوهشگران متون گنوسی نیز به این مطلب اشاره کرده است که اگرچه به دلیل نقش پررنگ پطرس در اناجیل رسمی، این شخص در برخی متون گنوسی نیز از جایگاه بالایی برخوردار بوده است و او را مربی معنوی مسیحیان معرفی کرده‌اند، اما نمی‌توان برخورد

۱. از آنجایی که عبارت «شکوهمند و پیروز باد مریم خجسته» در یکی از مزامیر هراکلیدس پس از گفتگوی بین عیسی و مریم مجدلیه آمده است، به نظر می‌رسد هرگاه این عبارت در مزامیر مانوی به کار رفته است، اشاره به مریم مجدلیه داشته باشد.

خشن و تند او را در متونی نظیر انجیل توماس،<sup>۱</sup> پیس تیس سوفیا و انجیل مریم نسبت به جنس زن نادیده گرفت. این نویسندگان، شمعون پطرس را یک شخص جنسیت‌زده<sup>۲</sup> نادان تلقی کرده، به گونه‌ای که او را محدود کننده جایگاه زنان می‌دانند [۱۶، صص-۸۵].<sup>[۸۶]</sup>

مخالفت جدی او را نخست می‌توان در انجیل توماس یافت که اتفاقاً یکی از بیانات جالب توجه و مناقشه برانگیز منسوب به عیسی درباره مریم نیز به شمار می‌آید. در گفتار صد و چهاردهم آمده است:

شمعون پطرس به آن‌ها گفت: «بگذارید مریم از ما جدا شود، زیرا زنان سزاوار زندگی ارزشمند [در ملکوت خدا] نیستند.» عیسی گفت: «نگاه کن، من او را به گونه‌ای راه می‌نمایم که مردانه‌اش سازم، تا او نیز به یک روح زنده مردانه تبدیل شود، شبیه به شما» (اما من به تو می‌گویم): «هر زن اگر خود را مرد کند، وارد ملکوت آسمانی می‌شود» [۱۷، صص ۲۲۵].

همان‌طور که قابل ملاحظه است، این گفتار برداشت کاملاً جنسیتی داشته و از آن می‌توان آموزه‌ای ضد زنانه برداشت کرد. اما بهتر است پیش از پرداختن به دلالت ظاهری، ابتدا به زمینه‌ای که منجر به ابراز چنین نگرشی شده، نگاهی افکنده شود. زمینه فکری انجیل توماس، بیانگر تفکری زاهدانه و دنیاگریز است که بر اساس آن اشخاص روحانی از نور آمده و به نور باز می‌گردند، زیرا که به نور تعلق دارند و شایسته جهانی دیگر هستند. بنابراین، گرایش به زهد و رهایی از روابط خانوادگی و جنسی در این انجیل نمایان است. همچنین، در این انجیل توجه ویژه‌ای به کامل بودن فرد شده است. این کامل بودن ورای هر تقسیم‌بندی وجودی انسانی است و بهترین توصیف از آن را در گفتار بیست و دوم از این متن می‌توان یافت که در آن نوعی فرآیند یکپارچه‌سازی ارائه شده است، بدین‌گونه که فرد می‌بایست ظاهر و باطن را یکی کرده به طوری که زینه و مادینه به واحد تبدیل شوند و هیچ‌کدام در جنسیت مخصوص به خود نباشند. بر اساس متن، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که حذف خصوصیات جنسی باید به گونه متقابل باشد. چنان‌که به گزارش عهد جدید پولس نیز گفته است که افراد پس از تعمید گرفتن، چه مرد باشند و چه زن، با یکدیگر فرقی ندارند [غلاطیان، ۳: ۲۸-۲۶]. به نظر می‌رسد

1. Gospel of Thomas.

2. Sexist.

که این انجیل نیز همانند دیدگاه فیلون بر وحدت غیر جنسی انسانی نظر دارد که بنا بر کتاب آفرینش، هم‌چون خدا آفریده شده است و فارغ از تمایزات جنسی است [۱۶، صص ۸۴-۷۶].

بنابراین، اکنون با توجه به این پیش‌زمینه می‌توان به بررسی گفتار صد و چهاردهم پرداخت. از نظر نگارنده انجیل توماس، یک فرد روحانی، کسی است که از جنسیت و تقسیم‌بندی‌های جنسی فراتر رفته است، اما او در نهایت مطلبی را بیان می‌دارد که متناقض به نظر می‌رسد؛ اینکه مریم می‌بایست برای رستگاری مرد باشد. نخست باید توجه کرد که پطرس در خصومت با مریم ظاهر می‌شود و تردید خود را نسبت به توانایی مریم برای رسیدن به رستگاری به دلیل زن بودنش اعلام می‌کند [۱۶، ص ۸۵]. با اینکه بسیاری بر این باور هستند، سخن عیسی مبنی بر مرد شدن مریم، حاکی از آن نگرش غالب مردسالارانه است که در جوامع آن‌ها رواج داشته است، می‌توان احتمال دیگری، را نیز مدنظر داشت. شاید مرد بودن در اینجا کنایه‌ای است از اینکه او همانند دیگر رسولان است و تفاوتی میان او و دیگر مردان رسول نیست، چرا که تمامی اعضای آن حلقه مرد بوده‌اند. در واقع، با توجه به اینکه درک این مسئله که تمایزی میان زنان و مردان نیست، برای افرادی مانند پطرس سخت بوده است، عیسی چاره‌ای جز این نداشت که به صورت کنایه‌ای اعلام کند که او را نیز مانند آن‌ها مرد کرده است و به لحاظ جنسیتی به ایشان یکسان است. دلیل اصلی این مدعا آن است که در کل این انجیل، نگرشی ضد زنانه از طرف نگارنده ابراز نمی‌شود و همان‌طور که گفته شد، اتفاقاً بر عدم تمایز جنسیتی تأکید شده است. بنابراین، دلیلی ندارد که تنها در گفتار پایانی رویکرد خود را تغییر دهد.

افزون بر این، نویسنده پیس تیس سوفیا تنها به دو مورد برخورد پطرس با زنان، به ویژه مریم اشاره می‌کند، اما به نظر می‌رسد که این مخالفت‌ها جدی‌تر و بیش از دو مرتبه بوده باشد، چرا که مریم ترس خود را از نفرت پطرس نسبت جنس زن و حضور و مشارکت زنان بیان می‌کند [۱۳، صص ۴۷ و ۱۳۵]. همچنین، در انجیل مریم، گرچه این خود پطرس است که پیش قدم شده و از مریم می‌خواهد که آنچه را مسیح در نهان به او گفته، برای همگان بازگو کند و حتی اقرار می‌کند که عیسی، مریم را بیش از زنان دیگر دوست می‌داشت، اما در نهایت نسبت به سخنان مریم معترض شد و حتی او را تحقیر کرد [۱۱، ص ۵۲۶]. شاید نویسنده انجیل مریم، این برخورد دوگانه پطرس را از انجیل رسمی الهام گرفته باشد که چنین آمده است:

پطرس گفت: «اگر همه، شما را تنها بگذارند، من از کنار شما دور نخواهم شد.» عیسی به او فرمود: «باور کن که همین امشب، پیش از آنکه خروس بخواند، تو سه بار مرا انکار کرده، خواهی گفت که مرا نمی‌شناسی!» ولی پطرس گفت: «حتی اگر لازم باشد، با شما خواهم مرد، ولی هرگز شما را انکار نخواهم کرد» [متی، ۲۶: ۳۱-۳۵].

در حالی که پیش‌بینی عیسی دقیقاً اتفاق افتاد و پطرس سه مرتبه او را انکار کرد. باید یادآور شد که در انجیل مریم، پطرس تنها شخص مخالف نبود، بلکه آندریاس ابتدا تردید خود را نسبت به درستی سخنان مریم بیان کرد و سپس پطرس با او هم‌نوا گشت. شکایت از سوی شاگردان مرد، در انجیل فیلیپ، هنگامی که مطرح می‌شود عیسی عادت داشت مریم را ببوسد، گویای این نکته است که پطرس تنها معترض درباره رفتار عیسی با زنان نبوده است و دیگر مردان همراه عیسی نیز تمایلی به حضور پررنگ زنان در جمع خود نداشتند و نارضایتی خود را ابراز می‌کرده‌اند. شاید بتوان گفت، این‌گونه مخالفت‌ها از جانب شاگردان مرد نسبت به فعالیت زنان برگرفته از خود انجیل رسمی است که نویسندگان این متون را تحت تأثیر قرار داده است. زمانی که شاگردان نسبت به مسح سر عیسی با عطر گران‌بها اعتراض کردند [متی، ۲۶: ۶-۱۳]. بنابراین، می‌توان به صورت کلی نگرش منفی شاگردان مرد، به ویژه پطرس را در متون آپوکریفا ملاحظه کرد.

به هر روی، آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، برخورد مریم با این نگرش مردسالارانه است. در پیس‌تیس سوفیا، هنگامی که درگیری پطرس و مریم به اوج خود می‌رسد، مریم سکوت نکرده و با بیان اعتراض خود، می‌گوید: گرچه مطالب را درک کرده است، به دلیل رفتار تهدیدآمیز پطرس در مقابل زنان، او می‌ترسد که جلو بیاید و تفسیر خود را بیان کند و عیسی در این هنگام به پشتیبانی از او پرداخته و او را زنی که از روح نور پر شده خطاب می‌کند [۱۳، ص ۱۳۵]. همچنین، در انجیل مریم همان‌طور که پیشتر گفته شد، با اینکه پطرس و آندریاس با او به مخالفت برخاستند، اما مریم با توانایی ویژه خود توانست تمامی رسولان مرد را متقاعد و همسو با خود جهت انجام مأموریت عیسی بکند.

#### ۴. توانایی معنوی

مریم نه تنها حکیمه و خردمند بود، بلکه به لحاظ روحانی و معنوی نیز جایگاه بالایی داشت. در آپوکالیپس اول یعقوب، مریم در شمار زنانی است که می‌توانند معرفت باطنی را انتقال دهند. نخست باید اشاره کرد که یکی از نکات قابل توجه در این اثر، آن است که

دیدگاه مثبتی به زنان در مقام شاگردان عیسی مسیح ارائه شده است. در فقره سی و هشتم یعقوب از عیسی مسیح دربارهٔ هفت زن شاگردی می‌پرسد که به واسطه‌ی تعالیم عیسی به لحاظ روحی قدرتمند شده‌اند. چنین نگرشی نسبت به زنان که مستقیماً ایشان شاگردان مسیح خوانده شوند و به این نحو توصیف شوند، در زمینهٔ یهودی و مسیحی سابقه نداشته است [۱۸، ص ۱۶۱]. متأسفانه بخشی که در آن دربارهٔ هفت شاگرد زن صحبت شده، به صورت جدی آسیب دیده است. آنچه قابل ملاحظه است، آن است که عیسی مسیح در پاسخ به شگفتی یعقوب در خصوص هفت زن شاگرد، گرچه ایشان را دارای قابلیت‌های روحانی می‌داند، اما چهار زن را نام برده و آن‌ها را به نوعی برجسته و کامل معرفی می‌کند، گویی نه تنها ایشان الگوی بقیهٔ زنان شاگرد هستند، بلکه خود یعقوب نیز می‌تواند از آن‌ها بیاموزد. البته این احتمال را نیز می‌توان در نظر گرفت که نام بقیهٔ زنان در متن آمده باشد، اما در شمار بخش‌های از دست رفته قرار گرفته باشند. به باور پژوهشگران، عیسی از یعقوب می‌خواهد که به این زنان سخنان دلگرم‌کننده و آرامش‌بخش بزند. به هر روی، این زنان کسانی هستند که به معرفت (گنوسیسی) دست پیدا کرده و زنجیرهٔ انتقال سنت باطنی را تشکیل می‌دهند که یعقوب می‌بایست از آن بهره بگیرد. از آنجایی که مریم مجدلیه نیز در میان این زنان نام برده شده است، جایگاه شایسته‌ای نزد عیسی مسیح دارد [۱۸، صص ۱۳۳-۱۳۷].

در انجیل مریم، هنگامی مریم سخنان عیسی را پس از عروجش بازگو می‌کند، گفته می‌شود که عیسی با او سخن می‌گفت. این بدان معنی است که مریم از نظر روحانی با عیسی در ارتباط بوده است. برای نمونه، نخستین بار، پس از اینکه عیسی آن‌ها را ترک می‌کند، پطرس از مریم می‌خواهد برایشان از سخنانی عیسی به او گفته و دیگران از آن بی‌خبر هستند، سخن بگوید و مریم پاسخ می‌دهد: «آنچه را که نهان است بر شما آشکار خواهم ساخت» [۱۱، ص ۵۲۵]. این گفتگو، گویای این نکته است که عیسی مریم را به لحاظ روحانی قابل‌تر از سایر شاگردان برای تعلیم معارف باطنی دانسته است و نکاتی را به او گفته است که دیگران نمی‌دانند. افزون بر این، وظیفهٔ تفسیر آن سخنان را بر عهدهٔ مریم نهاده است؛ زیرا از توانایی مریم برای تبیین مطالب سری آگاه بود. بار دیگر، زمانی است که مریم سخنان خود را به پایان می‌رساند و راوی این عبارت را دربارهٔ او به کار می‌برد: «هنگامی که مریم این را گفت، سکوت کرد، چرا که منجی با او سخن می‌گفته است» [۱۱، ص ۵۲۶]. از این عبارت، می‌توان این نکتهٔ فوق‌العاده مهم را دریافت که ارتباط مریم و عیسی محدود به زمانی که عیسی حضور این جهانی داشته است، نمی‌شود. بلکه

ارتباط روحانی این دو تا آن حد قوی بوده است که حتی پس از عروج عیسی، مریم از سخنان او بهره می‌برده و آن‌ها را برای شاگردان بیان می‌کرده است. به علاوه، روح مریم به قدری پاک و خالص بوده است که عیسی تنها از طریق او سخن گفت و این جایگاه ویژه و بالایی مریم را در میان شاگردان نشان می‌دهد که از دیگران در امور معنوی پیشی گرفته بود.

در متن پیس‌تیس سوفیا که مریم پرسشگر بسیاری از سؤالات است، پس از پایان سخنان مریم هنگامی که به تفسیر یکی از آموزه‌های عیسی پرداخته بود، عیسی بسیار شگفت‌زده می‌شود چرا که روح مریم کاملاً پاک شده است. عیسی این موضوع را نیز بیان می‌کند: «نیک گفتید مریم روحانی و پاک.» [۱۳، صص ۱۶۶-۱۶۷]. بسیار جالب توجه است که نگارنده این اثر، «شگفت‌زدگی» عیسی از سخنان مریم را ابراز کرده است. این امر بدان معنی است که مریم به درجه‌ای از فهم و معرفت رسیده که حتی عیسی را نیز به شگفتی وا داشته است و جایگاه بالایی مریم را در میان شاگردان مشخص می‌کند.

همچنین، این موضوع حائز اهمیت است که در زبور مانوی همواره تأکید ویژه‌ای بر روح پاک مریم دیده می‌شود. غالباً در پایان هر مزمور عبارت «پیروز باد روح مریم خجسته»، به چشم می‌خورد و به طور کلی در بیشتر مواقع مریم با عنوان «روح مریم» مورد ستایش قرار می‌گیرد [۱، ص ۱۵۱]. به نظر می‌رسد، این تأکید نویسنده بر جنبه روحانی بودن مریم از آنجایی نشئت گرفته باشد که تمرکز را از ویژگی‌های جسمانی زنانه بزداید. مریم حتی با عنوان «دختر روشنی» نیز یاد شده است [۱، ص ۲۵۳]. در این خصوص باید اشاره کرد که مفهوم روشنی در آموزه‌های مانوی بسیار اهمیت دارد و با این عنوان نویسنده، مریم را زنی از جهان روشنی دانسته است. برای توضیح بیشتر می‌توان به یکی دیگر از مزامیر مانوی که نیایشی از سوی مریم مجدلیه است و نکات ارزنده‌ای را در بردارد، رجوع کرد. در این مزمور، مریم از رنجی که کشیده است سخن می‌گوید. در ابتدا او از ظلمتی که پیشتر در آن به سر می‌برد و با راهنمایی عیسی مسیح از آن خارج شده صحبت می‌کند. نویسنده با بیانی زیبا این موقعیت را خروج از تلبیس مرگ توصیف کرده است، چرا که بر اساس آموزه‌های مسیحی در اناجیل رسمی، مادامی که فرد در گناه به سر می‌برد، مرده به شمار می‌آید، ولی هنگامی که ایمان می‌آورد از زندگی جاودانه برخوردار می‌شود. در واقع ایمان آورندگان تولدی جدید می‌یابند.<sup>۱</sup> مریم در این مزمور به

۱. [برای مثال بنگرید به: یوحنا، ۳: ۱۷-۱۵].

همان هفت دیوی که در انجیل لوقا از آن سخن گفته شده بود، اشاره می‌کند که نتوانستند او را به بند شهوت بکشند. تأکید جدی مریم بر این واقعیت است که پس از کشیدن رنج‌های فراوان، او اکنون پاک و خالص و از اهالی عالم روشنایی است [۱]، صص ۲۵۴-۲۵۶].

### نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت می‌توان چنین نتایجی را برداشت کرد که نخست، نویسندگان متون آپوکریفا به حضور جدی زنان به طور قابل ملاحظه‌ای در متون خود علاقه نشان داده‌اند. این امر به ویژه دربارهٔ مریم مجدلیه به اوج خود می‌رسد. در خصوص رابطهٔ مریم مجدلیه و عیسی مسیح در متون آپوکریفا، به نظر نمی‌رسد که این رابطه، یک رابطهٔ زناشویی یا از روی اغراض جنسی بوده باشد. حتی اگر چه به باور برخی پژوهشگران مریم در انجیل فیلیپ نقش همسر عیسی را ایفا می‌کرده است، اما از آنجایی که شاگردان نسبت به بوسه‌های عیسی مسیح اعتراض داشته‌اند، نمی‌توان گفت آن‌ها مریم و عیسی را زن و شوهر می‌دانسته‌اند. از سوی دیگر، مابقی آثار آپوکریفا دربارهٔ مریم چنین دیدگاهی را مطرح نکرده و صرفاً به نقش پرشگر، مفسر و شاگرد محبوب عیسی تأکید داشته‌اند. بنابراین، با وجود آنکه محبت فراوان عیسی به مریم در انجیل مشهود است، احتمال اینکه رابطه‌ای غیر از رابطهٔ استاد و شاگردی میان این دو شخصیت از نظر نویسندگان متون آپوکریفا وجود داشته باشد، کم است.

نکتهٔ مهم دیگر آن است که به نظر می‌رسد این نویسندگان، نسبت به مردسالاری گسترده و عمیق موجود در لایه‌های جامعه به ویژه جامعهٔ دینی آگاهی داشته و در صدد رفع آن بر آمده‌اند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف، ابتدا گفتگویی مجادله‌آمیز یا صحنه‌هایی تنش‌زا میان مردانی هم‌چون پطرس و زنانی هم‌چون مریم مجدلیه طراحی کرده، و سپس با نشان دادن توانایی زنان در امور معنوی، به احقاق حقوق آن‌ها پرداختند. اما این نویسندگان، مجوز اصلی برای فعالیت زنان را در نوشته‌های خود از زبان عیسی گرفتند. همان‌طور که به صورت واضح و روشن قابل ملاحظه است، عیسی نه تنها در عمل برخورد خوبی با زنان دارد و با آن‌ها به گفتگو می‌پردازد، بلکه هنگامی که شاگردان مرد اعتراض می‌کنند، به طور جدی از زنان حمایت می‌کند. بنابراین، می‌توان این متون را نیز کوششی از جانب فعالان اجتماعی در رابطه با موضوع زنان دانست. در خصوص شخصیت مریم مجدلیه به نظر می‌رسد نویسندگان این متون عامدانه

ویژگی‌هایی چون خردمندی، توانایی رهبری و روحانیت را در شخصیت مریم با تأکید بر زن بودن او، برجسته کرده باشند. این احتمال وجود دارد که مریم در سده‌های نخست مسیحیت، جایگاه ویژه‌ای میان مسیحیان و اندیشمندان داشته است. شاید از آن جهت که مریم همواره از نخستین افراد و بر اساس انجیل یوحنا، تنها شخصی بوده است که عیسی را پس از رستاخیز ملاقات کرده و مأموریت آگاه ساختن دیگران را بر عهده گرفته بود؛ می‌توان گفت نویسندگان این متون، تحت تأثیر این روایت بوده‌اند که نقش ویژه‌ای برای مریم در نظر گرفتند. به هر صورت، همان‌طور که پیشتر بیان شد، پژوهشگران فمینیست با تکیه بر چنین روایاتی می‌توانند تجربیات دینی زنانه مریم را بررسی کرده و از آنجایی که این متون محبوبیت داشته‌اند، امکان مطالعه تأثیر شخصیت مریم در دیگر زنان مؤمن مورد برای پژوهشگران فراهم می‌شود. بنابراین تجربه دینی مریم برای زنانی که استعدادها و مختلفی دارند مناسب است: زنانی که مایل هستند به فعالیت در مراکز علمی بپردازند، زنانی که در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند و زنانی که خواستار دستیابی به مراتب بالای روحانیت هستند. از نظر نویسندگان این متون، مریم نمونه زنی است که در آن روزگار، توانایی حضور در عرصه‌های مختلف را داشته است. در واقع به باور این نویسندگان، زنان باید به بروز استعدادهای خود علی‌رغم تمام موانع اجتماعی بپردازند.

## منابع

- [۱]. آلبری، سی. آر. سی (۱۳۷۵) زبور مانوی. مترجم: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، فکر روز.
- [۲]. اپستاین، ایزیدور (۱۳۹۳). یهودیت: بررسی تاریخی. مترجم: بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- [۳]. سیاهپوش، مریم السادات، حاج ابراهیمی، طاهره، هوشنگی، لیلا (۱۴۰۰). «اناجیل رسمی و زنان با نقش رسولانه: مطالعه موردی». زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۳، بهار، صص ۱۶۵-۱۸۱.
- [۴]. شگری فومشی، محمد (۱۳۹۸). «مریم مجدلیه و گرایش زنان به مانویت: بازبینی برخی مؤلفه‌های اسطوره‌ای و تاریخی». ایران نامگ، شماره ۴-۳، پاییز و زمستان، صص ۶۵-۷۳.
- [۵]. مورگان، سو، (۱۳۹۱). «رویکرد های فمینیستی». راهنمای دین پژوهی: آشنایی با ده رویکرد در مطالعه ادیان، ویراسته رابرت سگال. مترجمان: محسن زندی و محمد حقانی فضل، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

- [6]. Hinsdale, Mary Ann, (2011), "St. Mary of Magdala: Ecclesiological Provocations", *Catholic Theological Society of America*, Vol. 66, 68-90.
- [7]. Topete, Therasa, (2017), *The Gospel of Mary: Reclaiming Feminine Narratives Within Books Excluded from the Bible*, UC Irvine: Humanities Honors Program. Retrieved from

<https://escholarship.org/uc/item/5451v7g8>.

- [8]. Isenberg, Wesley, (1990) "The Gospel of Philip", *The Nag Hammadi library in English*, Edited by James M. Robinson. Translated by members of the Coptic Gnostic Library project of the Institute for Antiquity and Christianity, New York: Harper One.
- [9]. Foster, Paul, (2007) "The Gospel of Philip", *The Expository Times*, Vol. 118, pp. 417-427.
- [10]. Leloup, Jean-Yves, (2004), "The Gospel of Philip: Jesus, Mary Magdalene, and the Gnosis of Sacred Union", Translated by Joseph Rowe, Vermont: Inner Traditions.
- [11]. MacRae, George, Wilson, R. McL., (1990), "The Gospel of Mary", *The Nag Hammadi library in English*, Douglas M. Parrott. Translated by members of the Coptic Gnostic Library project of the Institute for Antiquity and Christianity, New York: Harper One.
- [12]. Ehrman, Bart, (2006), *Peter, Paul, and Mary Magdalene: The Followers of Jesus in History and Legend*, New York: Oxford.
- [13]. Mead, G. R. S. (George Robert Stow), (1921), *Pistis sophia: a Gnostic miscellany; being for the most part extracts from the books of the Saviour, to which are added excerpts from a cognate literature; englished* (with an introduction and annotated bibliography), London: J. M. Watkins.
- [14]. Koester, Helmut, (1990), Pagels, Elaine, "The Dialogue of Savior", Translated by Stephen Emmel, *The Nag Hammadi library in English*, Edited by James M. Robinson. Translated by members of the Coptic Gnostic Library project of the Institute for Antiquity and Christianity, New York: Harper One.
- [15]. Parrott, Douglas, (1990) "Eugnostos the Blessed (111,5 and V,7) and The Sophia of Jesus Christ (111,4 and BG 8502,5)", *The Nag Hammadi library in English*, Edited by James M. Robinson. Translated by members of the Coptic Gnostic Library project of the Institute for Antiquity and Christianity, New York: Harper One.
- [16]. Meyer, Marvin, (2003), *Secret Gospels: essays on Thomas and the secret Gospel of Mark*, New York: Trinity Press International.
- [17]. Patterson, Stephen, & others, (2001), *The Fifth Gospel: The Gospel of Thomas Comes of Age*, London: T&T Clark International.
- [18]. Schoedel, William, (1991), "A Gnostic Interpretation of the Fall of Jerusalem: The First Apocalypse of James", *Novum Testamentum*, Vol. 33, pp. 153-178.